

ضرورت امروز ؛ اتحاد و عمومیت بخشیدن به مطالبات صنفی است

صادق کار

اعتراضات سال‌های اخیر، پراکنده ماندنشان از یک‌دیگر است. نتیجه‌ی این پراکندگی - که فقدان سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری، یکی از دلایل عمده‌ی آن بوده - کم‌اثر شدن این‌گونه اعتراضات است. طبیعتاً تا وقتی که اعتراضات از حالت پراکندگی درنیابند و یک‌کاسه و توانمند نشوند، با وجود تاثیرات معینی که هرکدامشان به‌جای می‌گذارند، نمی‌توانند دولت و کارفرمایان را وادار به تجدیدنظر در سیاست‌های ضدکارگری‌شان نموده و منشاء تغییر و بهبود اساسی در وضعیت معیشتی و اجتماعی کارگران شوند. البته هنوز موانع و دشواری‌های زیادی بر سر راه حرکت‌های جمعی وجود دارند، ولی خود این موانع را نیز تنها در پرتو حرکت‌های جمعی و تلاش برای ایجاد هم‌بستگی واقعی در جنبش کارگری و همکاری متقابل با سایر جنبش‌های ترقی‌خواه اجتماعی است که می‌توان از بین برد.

باری، اکنون که شرایط برای سازمان‌گری اعتراضات اندکی مهیاتر شده است، منتظر شرایط بهتر نباید نشست؛ چنین شرایطی برای ما کارگران هرگز خودبه‌خود و با لطف و کرم هیچ نیروی دیگری به‌جز نیروی خودمان فراهم نخواهد شد. در زمانه و در کشوری که همه‌چیز علیه کارگران است، یگانه راه ما ایجاد و تحکیم هم‌بستگی و تشدید فعالیت و مبارزه است. ایجاد ارتباطات و سازماندهی حرکت‌های جمعی، اموری هستند که باید به‌طور واقعی در دستور کار فعالین و سازمان‌گران و تشکل‌های کارگری قرار بگیرند. امر هم‌بستگی و سازمان‌یابی تشخیص و تعیین شعارها، به عهده‌ی آنها قرار دارد. به‌همین جهت انتظار کارگران آن است، که فعالین‌شان، تفرقه‌ها و مرزبندی‌های کاذب زبان‌آور و منزهِطلبی را کنار بگذارند و همکاری و هم‌بستگی و تحمل را جایگزین آنها کنند. نحوه‌ی رفتار فعالین و سازمان‌گران و تشکل‌های کارگری در شرایط ویژه‌ی کنونی، واقعا تعیین‌کننده‌تر و کارسازتر از نحوه‌ی رفتار دولت با کارگران و مطالبات‌شان است.

ما که هنوز اکثریت جمعیت جامعه هستیم، شایسته‌ی زندگی بهتری هستیم. کشور ما ثروتمند است و منشأ اصلی تولید ثروت همچنان ما کارگران هستیم. با این وجود، سهم ما از این ثروت، فقرو تنگ‌دستی است. این وضع قابل تغییر است. منشأ فقر و محرومیت ما تنها صاحبان سرمایه و دولت‌های مدافع‌شان نیستند؛ خود ما هم مقصریم، ما ضعیف نیستیم، ما قوی ولی پراکنده هستیم. همین پراکندگی مهم‌ترین تقصیر و عامل اصلی وضعیت ناهنجار امروز ماست. ما، نه‌تنها می‌توانیم خودمان، بلکه کل کشور را آباد و مرفه کنیم. اگر طبقه‌ی کارگر متحد بشود و سازمان بیابد، می‌تواند دیکتاتوری، بی‌عدالتی، فقر، تبعیض و ستم را در این کشور ریشه‌کن کند. اما شرطش آن است که ما حداقل بتوانیم خودمان را به اندازه‌ی سرمایه‌داران و کارفرمایان سازمان دهیم.

بنا به گزارش رسیده، عده‌ای از رانندگان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، صبح چهارشنبه ۲۱ اسفند ماه سال جاری، در حالی که پلاکاردی را بالا گرفته بودند که روی آن نوشته شده بود، "دستمزد عادلانه حق مسلم ماست"، در مقابل ساختمان وزارت کار تجمع نمودند و پس از طرح مطالبات‌شان و استماع سخنان ابراهیم مدنی نایب رئیس سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران، محل اعتراض را ترک کردند.

در هفته‌های گذشته دو تجمع مشابه که توسط اتحادیه‌ی آزاد کارگران و سازمان‌دهندگان گردآوری ۴۰ هزارامضا با خواست افزایش دستمزد در مقابل وزارت کار صورت گرفت، به رغم فشار و پاره‌ای برخوردها از طرف نیروهای انتظامی در یکی از این دو تجمع، پایداری و فشار کارگران، مسئولین وزارت کار را واداشت تا برای نخستین‌بار به‌طور رسمی با تعدادی از نمایندگان مستقل کارگری راجع به درخواست افزایش دستمزد عادلانه که عمده‌ترین خواست کارگران تجمع‌کننده بود، مذاکره کنند.

علاوه بر این‌ها، در هفته‌های اخیر کارگران با امضای طومارهایی، بعضاً با ۴۰۰ تا ۸۰۰ امضا، خواستار افزایش عادلانه‌ی دستمزد طبق ماده ۴۱ قانون کار و وعده‌ی رئیس‌جمهور شدند. به‌غیراز این موارد که گزارش شده‌اند، موجی ازخواست افزایش دستمزد درآستانه‌ی زمان تعیین میزان افزایش دستمزد توسط شورای عالی کار، در میان کارگران به راه افتاده که بی‌سابقه است.

اعتراضات کارگری گرچه فعلاً به‌خاطر ایام تعیین افزایش دستمزد، بیشتر روی دستمزد متمرکز گردیده، ولی در زمینه‌های دیگر نیز نسبت به گذشته گسترده‌تر و اشکال‌شان متنوع‌تر و پیگیری کارگران هم بیشتر از گذشته است و زمینه و فضا جهت متمرکز شدن تجمع‌ها و هدایت‌شان و برقرارکردن پیوند فیزیکی میان‌شان مهیاتر از گذشته است. با این وصف، همان‌گونه که در مورد تجمع‌های جداگانه‌ی اعضای سندیکای واحد و اتحادیه‌ی آزاد مشاهده شد، معلوم نیست چه عواملی مانع انجام تجمع مشترک حول دستمزد عادلانه توسط این دو می‌شود؟ آیا اگر این دو تجمع یکی می‌شدند، تاثیرش بیشتر نبود؟ آیا مطالبات این دو نهاد آن‌قدر با هم تفاوت داشتند که نمی‌شد آنها را در یک تجمع مشترک طرح کرد؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که باید به آنها پرداخت تا بلکه از میان پاسخ‌هایی که داده می‌شوند، بهتر به مشکلات پرداخت و شاید بشود راهی برای آن یافت.

در این‌که اعتراضات و تجمع‌های کارگری در هر واحد، علاوه بر مطالبات عمومی جنبش کارگری، خواست‌های معینی را دنبال می‌نمایند که بخشاً یا کلاً مختص کارگران همان واحد و فاقد وجه عمومی هستند، تردیدی نیست. به‌همین جهت، حرکت مشترک متوجه مطالباتی است که خصوصیت عمومی دارند. مثلاً، افزایش دستمزد عادلانه، حق اعتصاب و تشکل، حقوق کار و بازبستگی، نفی تبعیض جنسی و نژادی و مذهبی و مطالباتی ازاین دست، مطالباتی عمومی و فراگیر هستند که بسیج‌گر هم هستند و حول شان می‌شود و باید اقدامات مشترک انجام داد. یکی از خصوصیات منفی

از تجارب دیگران

جنبش کارگری و نقش آن در مرحله گذار از دیکتاتوری

بخش دهم

نیکلاس سارتوریوس و البرتوسایو

تندباد اعتصابات (۱)

مرگ دیکتاتور در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۷۵ و پایان گزارش‌های اکیپ پزشکی او، زمانی واقع شد که تجدید قراردادهای دسته جمعی مصوب هشت آوریل ۱۹۷۵ الزامی شده بود. مقامات از انجام مذاکره در این باره پرهیز کرده بودند، زیرا مذاکره را موجبی احتمالی برای رفع محدودیت‌های موجود در این قراردادها تلقی می‌کردند. در این باره در خاطرات مقامات وقت آمده است: "بعد از مرگ رئیس مملکت، اقدامات اخلاص‌گرانه، به بهانه‌ی اختلافات صنفی شدت گرفتند."

مقامات دولتی با دیدن بسیج عظیمی که پس از جشن‌های ژانویه ۱۹۷۶ توسط سندیکاهای مارکسیستی انجام شد، سخت نگران شده بودند. هدف این بسیج اعمال فشار برای کشاندن مقامات به مذاکره حول قراردادهای دسته جمعی بود؛ یعنی همان قراردادهایی که می‌بایست تا ۲۱ ژانویه ۱۹۷۷ جاری باشند. بروز همه‌ی این مسائل در همان سه ماه اول سال ۱۹۷۶ به تحرکات صنفی‌ای منجر شد که تا آن موقع نظیر نداشتند. طبق آمارهای رسمی، در این مدت سه ماهه، ۱۷ هزار و ۷۳۱ اعتصاب برپا شده و ۱۵۰ میلیون ساعت کار از دست رفته بود.

سنتوس خولیا در کتاب "یک قرن اسپانیا" می‌نویسد: "کارگران دیگر حاضر نبودند قراردادی را امضا کنند که در آن از حقوق سندیکائی، مطالبات صنفی و دمکراتیک آنان حرفی نباشد." جنبش کارگری توانست جایگاه خود را بسازد و در فضای سیاسی جدیدی که پیش آمده بود، از آن جایگاه حضور خود را به عموم اعلام کند.

خوشبختانه این گفته‌ی شهردار شهر سیودادرنال که "خواست‌های دمکراتیک مردم گذرا هستند"، هرگز راست از کار درنیامد. او معتقد بود که "مردم خواهان پیشرفت مادی‌اند و برای‌شان تقریباً تمامی فعالیت‌های سیاسی خالی از معناست." او می‌افزود: "شهروندان درددیده، با اعتماد، تهی‌دست و میهن‌پرست ما از تفرقه وحشت دارند و به دموکراسی بی‌اعتماداند."

علیرغم فضای جشن و سروری که برای ورود به سال جدید (۱۹۷۶) وجود داشت، اما می‌توان گفت که در اواخر سال ۱۹۷۵ شیخ بیکاری در سراسر اسپانیا جولان می‌داد. تأثیر بحران پیش‌گفته، در تشدید بیکاری در سال ۱۹۷۶ حتی عمیق‌تر و غم‌انگیزتر بود. نرخ بالای بیکاری در بارسلون نگرانی‌ها را برانگیخته بود.

بنا به اعلام وزارت کار، سطح بیکاری در استان کاتالونیا از سال ۷۴ به بعد، مدام در حال افزایش بود و در اواخر سال ۷۵ به ۷۸۰ هزار و ۷۹۲ نفر رسیده بود؛ یعنی بیش از دوبرابر تعداد بیکاران این استان در سپتامبر ۱۹۷۴. تعداد بیکاران در استان والنسیا در سال ۱۹۷۵ برابر ۱۲۰ هزار و ۶۴۱ نفر بود، اما در اکتبر سال ۱۹۷۶ این تعداد به ۲۹۰ هزار و ۱۶۹ نفر، یعنی به بیش از دوبرابر، بالغ گردید.



مادرید، ۲۱ نوامبر ۱۹۷۵. روزنامه‌ها از مرگ فرانکو خبر داده‌اند

در اثر بحران، ۱۰۶ شرکت تماماً تعطیل شدند. شهردار شهر سویال می‌نویسد: "در سال ۱۹۷۶ در این شهر حدود چهار میلیون ساعت کمتر کار شده است!" بیکاری هم‌چنین در شهرهای کادیز، خابن و گرانادا بیداد می‌کرد. چشم‌اندازی برای رونق فعالیت‌ها در هیچ‌یک از بخش‌های صنعت، کشاورزی و ساختمان وجود نداشت.

در فاصله‌ی ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ در مناطق جنوبی و مشخصاً در استان اندلس حدود دوهزار و ۲۰۰ پست شغلی تماماً از بین رفته بودند. این تعداد در سالهای بعد به علت دومین بحران، از این هم بالاتر رفت.

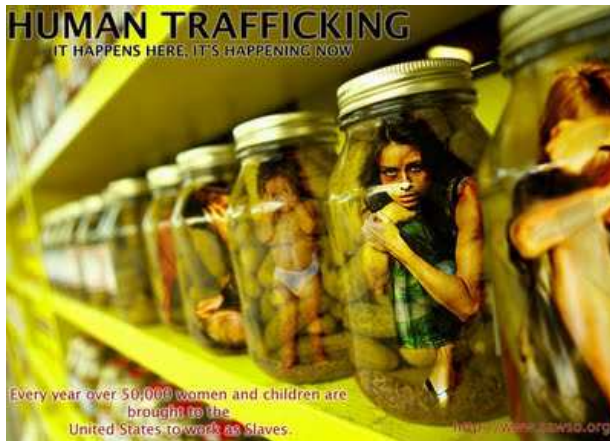
در اواخر سال ۱۹۷۶ تعداد بیکاران در پونتهودرا به هفت‌هزار و ۳۷۰ نفر رسید. این در حالی بود که تعداد بیکاران این شهر در اواخر سال ۱۹۷۵ "فقط" دوهزار و ۸۷ نفر بود. این افزایش ۲۵۰ درصدی، بی‌آن‌که امکانی برای کاهش آن به نظر برسد، موجب نگرانی بسیار بود. در شهرهای مورسیا و گوادالاخار نیز وضع به همین قرار بود.

در شهر بسیار فعالی چون ناوارا بیکاری در عرض یک سال ۲۱۷/۷ درصد افزایش یافته بود. در شهر شمالی بورگس علاوه بر تعداد بالای بیکاران، ناآرامی و عدم امنیت اقتصادی نیز حاکم بودند. در شهرهای کاستیون، سنوتا، بیزکایا و وایادولیس تعداد بالای بیکاران می‌توانست نتایج منفی سیاسی‌ای را نیز به بار آورد. در حالی که آمار حکایت از افزایش دوهزار نفری ارتش بیکاران در هر یک از این شهرها می‌کرد، پیش‌بینی‌های وضع آینده حتی اسفناک‌تر بودند.

مشکل بیکاری در برخی از استان‌ها از طریق مهاجرت [از اسپانیا] کمی لاپوشانی می‌شد. اما این فرصت هم، به علت فراگیر شدن بحران در سراسر اروپا در اواخر سال ۱۹۷۵، از میان رفت. طبق گفته‌ی شهردار خابن، "مهاجران در هنگام بازگشت به کشور نه شغلی داشتند و نه خانه‌ای".

گفتنی است که در دهه‌ی ۶۰ مهاجرت، مثلاً در سطحی که در شهر اورنیسه شاهد آن بودیم، به پدیده‌ی رایجی تبدیل

عقد کودکان، اشکالی از برده‌داری مدرن‌اند که زندگی شکننده‌ترین لایه‌های مردم را در سراسر جهان تحت سیطره‌ی خود گرفته‌اند.



برده‌داری چگونه تعریف می‌شود؟

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ برده‌داری را ممنوع و اعلام کرد: "هیچ‌کس را نمی‌توان به بردگی و خدمت اجباری کشید. برده‌داری و تجارت برده در تمام اشکال آن ممنوع است."

تعریف‌های داده شده از برده‌داری مدرن، غالباً مأخوذ از کنوانسیون متمم سازمان ملل مصوب سال ۱۹۵۶ هستند که اعلام می‌دارد: "اسارت ناشی از دیون، کار اجباری، ازدواج اجباری، عرضه‌ی کودکان برای استثمار آنان، همگی اقداماتی برده‌دارانه و جرم محسوب و باید لغو گردند." در کنوانسیون علیه کار اجباری سال ۱۹۳۰ کار اجباری چنین تعریف شده است: "هر کار یا خدمتی که انجام آن با تهدید به هر نوع مجازات به شخصی تحمیل شود و شخص مورد نظر خود را داوطلبانه برای انجام آن عرضه نکرده باشد."

با تحول سیستم‌های برده‌داری مدرن، تعاریف جدیدی از آن ارائه شده‌اند که قاچاق انسان را نیز شامل می‌شوند و بردگی کودکان و کار کودکان را از هم متمایز می‌سازند.

بعضی از اشکال برده‌داری عبارتند از:

اسارت ناشی از دیون: در این نوع بردگی افراد به علت عدم توانایی در پرداخت دیون‌شان به کار گرفته می‌شوند تا مگر بهره‌ی این دیون را بازپرداخت کنند. هستند بسیار کسانی که تا آخر عمرشان از عهده‌ی بازپرداخت این دیون، خواه اصل آن خواه اصل و فرع آن، برنمی‌آیند و در نتیجه دیون به نسل بعدی منتقل می‌شوند.

کار اجباری: در این نوع بردگی افراد با خشونت و ارباب وادار به انجام کار می‌شوند؛ و غالباً بدون هیچ دستمزدی. بسیاری از این افراد، خاصه در کشورهای خارجی و محروم از برگه‌ی شناسائی، خود را در موقعیت به‌دام افتادگانی می‌یابند که نه راه پیش دارند و نه راه پس.

بردگی مبتنی بر تبار: موردی است که افراد "برده" زاده می‌شوند، زیرا خانواده‌شان به طبقه‌ی بردگان جامعه تعلق داشته است. "مقام بردگی" از مادر به فرزند می‌رسد.

قاچاق انسان: قاچاق و انتقال انسان‌ها از نقطه‌ای به

شده بود؛ تا به آن پایه که مهاجرت به "موتور تحرک منطقه" تبدیل شده بود. مهاجرت پول قابل توجهی را وارد کشور می‌کرد، موجب جذب نیروی کار کشاورزی به بازار کار می‌شد و مشکلات اقتصادی ناشی از وضع دشوار شرکت‌های کوچک و متوسط را تسکین می‌داد. این موج سنگین مهاجرت از وعده‌ی مقامات برای تصویب "قانون مناسبات شغلی" بی‌تأثیر نبود. بنا به ادعای مقامات، این قانون هزینه‌ی اخراج را بالا می‌برد و ثبات شغلی را در آینده تضمین می‌کرد.

طبق گفته‌ی وزیر اقتصاد وقت، مانوئل ویار میر، در ژانویه ۱۹۷۶ "قیمت کالاها با گام‌های بلندی از دستمزدها سبقت می‌گیرد". این اعتراف آقای وزیر کسانی را که فقط یک حقوق داشتند، به شدت متعجب کرد و این‌گونه تعبیر شد که گویا آقای وزیر مدافع مردم کم‌درآمد است و بحران را ناشی از سطح نازل دستمزدها می‌داند. واقعیت هم این بود که رساندن ایام به آخر ماه برای بسیاری از کارگران مدام دشوارتر می‌شد. زنجیره‌ی ممتدی که توسط شهروندان با استعاره‌ی "دستمزدها از پله و گرانی با آسانسور بالا می‌روند" توصیف می‌شد.

در این شرایط، دنیای کار بدون آن که مجال واکنش داشته باشد، از زبان مقامات و خود همان وزیر کار می‌شنید که افزایش حقوق عامل اصلی تورم است. این جمله‌ی وزیر توسط سندیکاها نوعی تحریک تلقی شد، اما زحمت‌کشان در جست‌وجوی آلترناتیوهای دیگری، در برابر پاسخ‌های دولت به بحران، بودند.

با تخلیه‌ی امکاناتی که مدل رشد اقتصادی اسپانیا از سال ۱۹۵۹ به بعد عرضه کرده بود، محدودیت‌های قوانین سال ۱۹۷۵ به ترمزی در برابر رشد پتانسیل‌های اقتصادی کشور تبدیل شدند. انجام رفورم مالی، ایجاد سندیکاها واقعی، ساماندهی شرکت‌های دولتی، انجام رفورم‌های کشاورزی، برنامه‌ریزی دموکراتیک اقتصادی، .. همه و همه در چنبره‌ی مخالفت منافعی، که انجام این تغییرات آنها را به خطر می‌انداخت، گرفتار آمده بودند.

📖 اخبار خارجی

در معرفی برده‌داری مدرن

برده‌داری در حدود ۱۵۰ سال پیش در بیشتر کشورهای لغو شد، اما کار اجباری، قاچاق انسان و استثمار باقی‌اند.

برده‌داری مدرن چیست؟

حدود ۱۵۰ سال پس از آن که بیشتر کشورهای برده‌داری را لغو کرده‌اند (برزیل آخرین کشوری بوده که مشارکت خود در تجارت بردگان را در سال ۱۸۸۸ منسوخ و متوقف کرد). اما هنوز میلیون‌ها مرد و زن و کودک به بردگی کشیده شده وجود دارند. برده‌داری معاصر اشکال گوناگونی دارد؛ از کشاندن زنان به فحشا، تا بردگی کودکان در زنجیره‌های تولیدی کشاورزی یا تمام اعضای یک خانواده که تمام درآمدها فقط مصروف پرداخت "بدهی نسلی"شان می‌شود. برده‌داری در تمام قاره‌ها و تقریباً در تمام کشورهای وجود دارد. کار اجباری، قاچاق انسان، اسارت ناشی از دیون،

نقطه‌ی دیگر و تحت شرایط برده‌دارانه.

بردگی کودکان: کودکان در بسیاری مشاغل هم‌چون کار خانگی، کار اجباری در مزارع کاکائو، پنبه و در صنایع ماهیگیری، به صورت برده به کار گرفته می‌شوند. تجارت آنان برای استثمار کاری و جنسی، و نیز به عنوان سرباز نیز از زمره مصادیق بردگی کودکان است.

ازدواج زودهنگام و اجباری: هنوز هم چنان بسیاری از زنان بدون رضایت خودشان و غالباً در حالی که کودک‌اند، به عقد ازدواج درآورده و به اسارت جنسی و کار خانگی کشیده می‌شوند.

تعداد بردگان در سراسر دنیا چقدر است؟

جمع آوری داده و اطلاعات پیرامون برده داری مدرن، در اثر اعمال آن در شبکه‌ای از روابط پنهان و غیرقانونی، بسیار دشوار است. سازمان بین‌المللی کار (International Labour Organisation) تخمین می‌زند که در حال حاضر حدود ۲۱ میلیون انسان به بردگی کشیده شده‌اند. لازم به ذکر است که این تعداد تا ۳۰ میلیون نفر هم برآورد می‌شود.

این سازمان می‌گوید که این تعداد، قاچاق انسان‌ها و دیگر اشکال برده‌داری مدرن را نیز شامل می‌شود. آنچه در این آمار منظور نشده، قاچاق انسان برای قطع اندام (در تجارت‌های پزشکی)، ازدواج اجباری و فرزندخواندگی است، مگر آن که این موارد با کار اجباری همراه باشند.

طبق محاسبات سازمان بین‌المللی کار ۹۰ درصد از این تعداد در بردگی افراد شرکت‌ها هستند و ۱۰ درصد باقیمانده توسط دولت‌ها، گروه‌های شورشی نظامی و در زندان‌هایی که فاقد استاندارد این سازمان هستند، به کار اجباری کشیده شده‌اند. بردگی جنسی ۲۲ درصد کل بردگی مدرن را تشکیل می‌دهد.

در ارتباط با قاچاق انسانی، یعنی کشتادن افراد به کار اجباری در اثر مهاجرت درون- یا برون‌مرزی، برآورد سازمان مذکور این است که در ۲۹ درصد از موارد، مهاجرت و عبور فرد از مرزهای بین‌المللی به کار اجباری و در اکثر موارد به بردگی جنسی ختم می‌شود. حدود ۵۶ درصد از این ۲۱ میلیون نفر در همان محل بومی زندگی‌شان به بردگی کشیده شده‌اند.

بردگی در کجاها وجود دارد؟

بردگی به این یا آن شکل در تمام کشورها وجود دارد. سهم آسیا بیش از نیمی از ۲۱ میلیون نفر تخمینی سازمان بین‌المللی کار است. بر حسب درصد جمعیت، اروپای مرکزی و اروپای جنوب شرقی، بیشترین سهم از بردگی، به صورت کار اجباری، را دارند. آفریقا، خاورمیانه، آسیا-اقیانوسیه، آمریکای لاتین و کارائیب در مراحل بعدی قرار دارند.

چه کسانی در معرض تهدید برده‌داری مدرن‌اند؟

گرچه برده‌داری مدرن به طور متوسط عموم انسان‌ها را تهدید می‌کند، اما گروه‌های معینی از آنها دارای وضع شکننده‌تری هستند. شگفت‌آور نیست که زنان، دختران و کودکان در معرض تهدید بیشتری نسبت به مردان، پسران و افراد بالغ باشند. زنان اکثریت بردگان را تشکیل می‌دهند: ۵۵ درصد کل بردگان زن و دختراند که بخش اعظم آنان به بردگی جنسی کشیده شده‌اند. کودکان یک‌چهارم کل بردگان را تشکیل می‌دهند.

برندگان عموماً از شکننده‌ترین گروه‌های اقلیتی یا به لحاظ اجتماعی از منزوی‌ترین آنان‌اند. مثلاً در جنوب آسیا اسارت ناشی از دیون و کار اجباری، با سیستم کاست پیوند درونی دارد. بردگی کاست‌بنیاد از نسلی به نسل دیگر منتقل و در بطن عادات و باورهای سنتی اعمال شده و با تبعیض فرهنگی قوام یافته است. سازمان بین‌المللی ضد بردگی تخمین می‌زند که ۸۰ الی ۹۸ درصد بردگی مبتنی بر دیون (رایج در جنوب آسیا) در کاست "دالیت" (که سابقاً "نجس" نامیده می‌شدند) یا اجتماعات نظیر جاری است. کارگران مهاجر نیز از زمره گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر بردگی‌اند.

چه کسانی سود می‌برند؟

برآورد سال ۲۰۰۵ سازمان بین‌المللی کار این بود که سود حاصل از کار اجباری بالغ بر ۴۴ میلیارد دلار است. سازمان‌های وابسته به سازمان ملل که علیه قاچاق انسان مبارزه می‌کنند، می‌گویند که "قاچاق انسان سومین منبع درآمد غیرقانونی، پس از قاچاق مواد مخدر و اسلحه است."

برآورد مذکور هم‌چنین حاکی از آن است که در سال حداقل ۲۱ میلیارد دلار از دسترنج افرادی که به کار اجباری کشیده می‌شوند، به آنان پرداخت نمی‌شود. با توجه به این که پولی که مهاجران به کشورهای بومی‌شان می‌فرستند، سه برابر کل کمک جهانی به این کشورها است، این دارای اهمیت است که دولت‌ها مراقبت اکید داشته باشند که مهاجرت کاری به تن دادن به بردگی نیانجامد.

بردگی هم‌چنین در زنجیره‌های تولیدی جهانی نیز وجود دارد و سودهای عظیمی را نصیب کسانی می‌کند که کنترل این صنایع را در دست دارند. تحقیقات اخیر اقتصادی نشان داده‌اند که کار اجباری منجر به هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری، به صورت سنگ‌اندازی در توسعه‌ی اقتصادی و تشدید بنیان‌های فقر دارد.

بریتانیا

راهپیمایی اعتراضی کارگران دو پایگاه دریایی انگلیس

بی.بی.سی.، ۱۱ مارس ۲۰۱۴



راهپیمایی اعتراضی کارگران پایگاه اتمی فاسلین

صدها کارگر دو پایگاه دریایی «فاسلین» و «کولپورت» در انگلیس، در اعتراض به میزان افزایش حقوق دست به راهپیمایی زدند.

این در حالی است که شرکت از مذاکره برای تعیین پایه‌ای یک ساله برای افزایش حقوق کارگران، جوری که بتواند کفاف هزینه‌های آنان را بدهد، پرهیز می‌کند.

"نابرابری برای کارگرانی که از متوسط حقوق مشاغل نظیر، کمتر می‌گیرند، چهار سال مدام حقوق واقعی‌شان تنزل داشته و برای این که این غول بخش خصوصی بتواند به اهداف شغلی‌اش برسد، از هیچ کمکی دریغ نکرده‌اند، جداً از حد گذشته است."

مدیریت شرکت «بابکوک» اعلام کرد که "از تصمیم اتحادیه شگفت‌زده شده است."

یک سخن‌گوی این شرکت گفت: "ما به تعهداتمان نسبت به اتحادیه‌های کارگری عمل کرده‌ایم و با دقت به آنها و نگرانی‌های مشخص‌شان گوش داده‌ایم."

"ما با ارائه‌ی پیشنهادی برای توافق چندساله، به آنها رو آوردیم. این پیشنهاد حاوی عناصر قابل اتکایی برای افزایش حقوق‌ها طبق خواسته‌های آنهاست و فرصت برخورداری از پاداش‌های بعدی را هم فراهم می‌آورد."

"بابکوک یا شرکت موفق است. به این دلیل ما توانستیم در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ حقوق‌ها را افزایش دهیم. با منظورداشت آنچه برای سال ۲۰۱۳ پیشنهاد شده است، نیروی کار صنعتی ما از افزایش حقوقی برابر هشت درصد در عرض سه سال برخوردار خواهد شد؛ به علاوه‌ی یک پاداش یک‌باره‌ی ۶۵۰ پوندی.

"به نظر ما این پیشنهاد معقول و منصفانه‌ای است. باعث ناامیدی است، اگر این پیشنهاد "چکشی" رد شود و به آکسیون رو آورده شود."

اعضای اتحادیه «یونایت» (اتحاد)، از نیمه شب ۱۱ مارس، حرکت اعتراضی خود را زیر شعارهای "همان‌قدر که پول می‌دهید، آش می‌خورید!" و "اضافه‌کاری ممنوع!" آغاز کردند.

سازمان دریایی «بابکوک» می‌گوید که پیشنهاد افزایش حقوق به میزان دو درصد، یک پیشنهاد منصفانه است. این درحالی است که کارگران خواهان افزایش حقوق‌شان به میزان افزایش تورم در سه سال گذشته‌اند.

ماه گذشته این اتحادیه برنامه‌ای را که برای اعتصاب داشت به تعویق انداخت، اما پس از آن که اکثریت اعضای آن پیشنهاد افزایش دو درصدی را رد کردند، مجدداً برنامه‌اش را برای اعتصاب پیش کشیده است.

پایگاه فاسلین محل استقرار ناوگان زیردریایی‌های اتمی «تریدنت» است.

اتحادیه می‌گوید این اولین بار است که کارگران پایگاه دست به اعتصاب زده‌اند.

به قدر کافی

راهپیمایی دوساعته‌ی کارگران در هر دو پایگاه، صبح روز سه‌شنبه انجام شد. این حرکت از روز چهارشنبه با توقف کار در اوقات مختلف و پرهیز از اضافه‌کاری ادامه خواهد یافت (ادامه یافت).

یان وادل، از رهبران اتحادیه، می‌گوید: "کارگران ساده‌ی این دو پایگاه به قدر کافی از تورم، به قدر کافی از پرداخت‌های "تشویقی" یک باره به جای افزایش حقوق، به قدر کافی از کارفرمایی که می‌خواهد تحمیل کند و نه مذاکره، آسیب دیده‌اند.

"وضع الان واقعاً مضحک است. چهارتا مدیر عالی‌رتبه‌ی پایگاه بر سر گنجینه‌ای از بن به قیمت هفت میلیون لیره نشسته‌اند و طبعاً از افزایش ۹ درصد به حقوق‌های شش رقمی‌شان راضی‌اند."

اخبار داخل کشور

اعتراض کارگران به واگذاری بخش درمان تأمین اجتماعی در مقابل مجلس:

دولت بدهکار و تصاحب سازمان تأمین اجتماعی

حدود ۵۰۰ تن از کارگران شاغل و بازنشسته‌ی تهرانی که توسط سازمان تأمین اجتماعی بیمه شده‌اند، در اعتراض به بررسی واگذاری بخش درمان سازمان تأمین اجتماعی به وزارت بهداشت، در مقابل مجلس تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار "ایلنا"، همزمان با بررسی لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه



در مجلس، حدود ۵۰۰ کارگر شاغل و بازنشسته‌ی بیمه شده توسط سازمان تأمین اجتماعی، با تجمع در مقابل مجلس خواستار دیدار و مذاکره با اعضای کمیسیون‌های اجتماعی و بهداشت مجلس شدند.

یکی از کارگران حاضر در این تجمع که از شهرری به میدان بهارستان آمده است، به ایلنا گفت که

کارگران دخالت دولت در امور صندوقی که متعلق به کارگران بیمه شده است را عامل ضعف خدمات درمانی این سازمان می‌دانند و حال دولت قصد دارد مداخله‌های خود را به صورت قانون دریاورد.

یک کارگر زن که از کارخانجات محور جاده‌ی قدیم کرج خود را به ساختمان مجلس رسانده است، گفت: "رئیس جمهور در تلویزیون اعتراف کرده است که دولت ۶۰ هزار میلیارد تومان به صندوق بیمه‌ی ما بدهکار است و ظاهراً دولت به جای پرداخت این بدهی به کارگران، قصد تصرف سازمان تأمین اجتماعی را دارد چون در این صورت دولت به خودش بدهکار می‌شود."

طومار ۸۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز

رئیس جمهور به وعده‌های خود عمل کند



Iranian Labour News Agency

در بخش دیگری از این طومار، از رئیس جمهور خواسته شده است ضمن نگاه ویژه به موضوع حقوق و دستمزد، تأکیدات مقتضی را به وزیر کار انجام دهد تا وی با حساسیت ویژه‌ای این موضوع را پیگیری کند.

گفتنی است که جمع‌آوری امضاهای طومار مزدی خطاب به رئیس جمهور، توسط «انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز» صورت گرفته است.

پیش از این نیز ۴۲۰ کارگر شاغل در پارس جنوبی در نامه‌های جداگانه‌ای به رئیس جمهور، خواستار اجرای وعده‌ی روحانی به کارگران شده بودند.

دستمزد عادلانه حق مسلم کارگران است

تجمع گروهی از کارگران سندیکایی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه جلوی وزارت کار تعدادی از رانندگان و کارگران سندیکایی در شرکت واحد اتوبوسرانی با تجمع در مقابل وزارت کار، خواستار تعیین دستمزد عادلانه برای کارگران شدند: از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۱ اسفند ماه جمعی از رانندگان شرکت واحد با تجمع اعتراضی در مقابل وزارت کار، خواستار تعیین دستمزدی عادلانه شدند.

تجمع کنندگان با برافراشتن پلاکاردهای مبنی بر "دستمزد عادلانه حق مسلم ماست"، خواستار تعیین عادلانه‌ی دستمزد برای سال ۱۳۹۳ بودند. این تجمع که با حضور مامورین انتظامی همراه بود، بدون هیچ‌گونه درگیری‌ای ساعت ۱۴ با سخنانی در خصوص اتحاد کارگران توسط ابراهیم مددی به پایان رسید

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اسفند ۱۳۹۳

شاغل در این واحد تولیدی خبر داد. منوچهر افشار در این باره به خبرنگار ایلنا گفت: "هر ساله این تعداد کارگر رسمی و قراردادی حداکثر تا ۱۵ اسفند ماه، هم حقوق اسفند و هم حق عیدی پایان سال خود را دریافت می‌کردند اما امسال حقوق بهمن ماه و حق عیدی تاکنون پرداخت نشده است".

وی افزود: "۱۰۰ کارگر رسمی و ۴۰۰ کارگر قراردادی این کارخانه در آستانه‌ی سال نو، نگران تأمین معاش و امنیت شغلی خود در سال آینده شده‌اند. این کارخانه از ۱۵ بهمن ماه، بیش از یک ماه است که به دلیل نداشتن مواد اولیه (کربنات)، تولیدی ندارد و انبارهای این کارخانه که همیشه مملو از مواد برای تولید بود هم اکنون خالی شده است".

او در مورد بدهی کارخانه گفت: "این واحد مبلغ ۹۰۰ میلیون تومان به اداره‌ی گاز، ۶۰۰ میلیون تومان به بیمه‌ی تأمین اجتماعی، ۱۰۰ میلیون تومان به اداره‌ی برق و آب، دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بابت مواد اولیه‌ی تولید، ۱۲ میلیارد تومان به بانک صادرات و حدود شش میلیارد تومان نیز به سایر طلبکاران بدهی دارد.

به گفته‌ی این کارگر، ۵۰۰ کارگر این کارخانه برای گرم نگه داشتن کوره‌ی کارخانه و صدمه ندیدن ابزار تولیدشان، به ناچار شیشه‌های شکسته را داخل کوره می‌اندازند و بعد از ذوب شدن شیشه‌ها، مجدداً این کار را تکرار می‌کنند.

این کارگر که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می‌گفت، در خصوص تجمع صبح دیروز (یکشنبه) همکاری‌اش در مقابل درب ورودی کارخانه گفت: "بی‌توجهی به مشکلات معیشتی کارگران در آستانه‌ی سال نو، باعث شد ۶۰ تن از کارگران با تجمع در کارخانه، اعتراض خود را به گوش کارفرما و همچنین مسئولان محلی برسانند."

عاجز از پرداخت حقوق

در همین رابطه، مدیر عامل کارخانه‌ی آبگینه در گفتگو با ایلنا، ضمن تأیید تعویق حقوق کارگران شاغل در این واحد صنعتی، بدهی‌های انباشته‌ی این کارخانه را عامل اصلی کمبود منابع مالی و همچنین پرداخت نشدن حقوق کارگران دانست.

مقسمی با بیان این‌که این واحد از چهار سال پیش با ۷۰ میلیارد تومان بدهی به بخش خصوصی واگذار شده است،

کارخانه‌ی شیشه‌ی «آبگینه» قزوین در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفت

۵۰۰ کارگر آبگینه اخراج می‌شوند

یکی از کارگران کارخانه‌ی شیشه‌ی «آبگینه» قزوین از پرداخت نشدن حقوق بهمن ماه و حق عیدی حدود ۵۰۰ کارگر

کارگران معتقدند، به دلیل عدم برگزاری مرتب جلسات شورای عالی کار، دستمزد تعیین‌شده فقط در وقت مقتضی اعلام خواهد شد.

۸۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز با امضای طوماری خطاب به رئیس جمهوری، تأکید کردند اجرای تبصره‌های ۱ و ۲ ماده‌ی ۴۱ قانون کار، بهترین راه‌حل مشکلات معیشتی کارگران است

به گزارش ایلنا، کارگران پتروشیمی تبریز در ابتدای این طومار، وعده‌ی مزد مناسب برای کارگران توسط حسن روحانی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های پیش از انتخابات ریاست جمهوری مبنی بر افزایش حداقل دستمزد به میزان نرخ تورم و اجرای ماده ۴۱ قانون کار با دو تبصره‌ی آن را «به‌حق» و «آگاهانه به وضعیت موجود کارگران» توصیف کرده‌اند.

امضاکنندگان این طومار با اشاره به تکرار وعده‌ی مزدی رئیس جمهور در اولین کنفرانس خبری‌اش بعد از انتخابات ۲۴ خرداد، گفته‌اند: "تکرار این وعده‌ی مزدی که میلیون‌ها نفر آن را گوش می‌دادند، نور امید را در دل کارگران به وجود آورد تا بعد از مدت‌ها شاهد اجرای ماده‌ی ۴۱ قانون کار با دو تبصره‌اش باشند."

اولویت پرسنل حاضر شرکت و با حداقل قیمت که عملاً موجب استثمار پرسنل با سابقه خواهد شد، هست؟

کارگران شهرداری هویزه دو ماه حقوق نگرفته‌اند

نماینده کارگران شهرداری هویزه، از تعویق دو ماه حقوق و پرداخت نشدن سایر مطالبات حقوقی پایان سال ۱۸۰ کارگر شهرداری هویزه، به علت مشکلات مالی شهرداری هویزه، خبر داد.

نبی نیسی در این باره به ایلنا گفت: "در آستانه‌ی شروع سال جدید، هنوز مطالبات مزدی دی، بهمن و حق عیدی پایان سال کارگران فضای سبز، خدماتی و موتوری شهرداری هویزه پرداخت نشده است."

۱۲۰۰ کارگر معادن البرز مرکزی به دنبال رأی دیوان عدالت

۱۲۰۰ کارگر یازده شرکت پیمانکاری فعال در معادن البرز مرکزی، از اداره‌ی تأمین اجتماعی شهرستان سوادکوه به دلیل عدم دریافت اضافه سهم چهاردرصدی کارفرمایان در مشاغل سخت و زیان‌آور، از شرکت‌های پیمانکاری این معادن، به دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند.



رحیم گودرزی مسئول انجمن صنفی کارگران معادن زغال سنگ البرز مرکزی از انتظار شش ماهه‌ی ۱۲۰۰ نفر از کارگران پرسابقه‌ی مشمول قانون سخت و زیان‌آور این معدن، برای رسیدگی دیوان عدالت اداری به مشکل صنفی‌شان خبر داد.

او به خبرنگار ایلنا گفت: "هیچ‌کدام از شرکت‌های پیمانکاری فعال در معادن البرز مرکزی که بیش از ۱۲۰۰ کارگر در آنها شاغل هستند سهم چهاردرصدی خود را برای بازنشستگی کارگرانی که مشمول قانون مشاغل سخت و زیان‌آور می‌شوند پرداخت نکرده‌اند."

گفت: "برخی از واحدهای تولیدی صنعتی آذربایجان غربی ۱۲ الی ۹ ماه حقوق عقب‌افتاده‌ی کارگری دارند و نیاز به حمایت بیش از پیش مسئولین را دارند."

این مقام کارگری گفت: "کارگران و تشکلهای کارگری آذربایجان غربی در دولت‌های نهم و دهم مغفول ماندند و کسی پاسخ‌گوی کارگران نبوده است.. امنیت شغلی کارگران به شدت متزلزل شده و معیشت کارگران به مخاطره افتاده است."

این فعال کارگری، جمعیت کارگری آذربایجان غربی را حدود ۵۰۰ هزار تن عنوان کرد و گفت: "ما از مسئولین سازمان تأمین اجتماعی و تعاون کار و رفاه اجتماعی انتظار داریم نسبت به تضييع حقوق نیروی کار حساس باشند و نگذارند حقوق کارگران توسط عده‌ای تهدید شود."

در کارخانه‌ی «تهویه» قزوین :

تشدید استثمار و محرومیت کارگران



۱۰۰ کارگر کارخانه‌ی «تهویه» واقع در شهر صنعتی البرز، با امضای نامه‌ای خطاب به رئیس اداره‌ی کار استان قزوین، به اخراج خود اعتراض کردند.

کارگران کارخانه‌ی «تهویه» به رئیس اداره‌ی کار قزوین نوشته‌اند: "پس از هشت الی ۱۸ سال سابقه‌ی کار در این کارخانه و رسیدن به سنین ۲۵ الی ۴۰ سالگی، به عنوان نیروی مازاد اخراج شده‌اند و با توجه به شرایط بازار کار و بیکاری جوانان، دیگر امیدی به یافتن شغل تازه‌ای ندارند."

۱۰۰ کارگر امضا کننده‌ی این نامه واگذاری کارگاه‌های کارخانه‌ی تهویه به شرکت‌های پیمانکار نیروی انسانی را که کارگران جوان را با حداقل دستمزد استخدام می‌کنند، عامل بیکاری خود معرفی کرده و از این مقام دولتی پرسیده‌اند: "آیا کارفرما مجاز به انجام چنین اقدامی بدون در نظر گرفتن

افزود: "دولت موقع واگذاری این واحد ورشکسته، از میزان بدهی‌های این کارخانه صحبتی نکرده بود."

او با بیان این‌که این کارخانه توان پرداخت حقوق کارگرانش را ندارد، گفت: "در طول این چهار سال هرچه تولید کرده‌ایم، هزینه‌ی بدهی‌های معوقه‌ی کارخانه شده؛ تا جایی که هم‌اکنون این واحد توان تولید و پرداخت حقوق کارگرانش را از دست داده است."

او گفت: "بخش عمده‌ای از مشکلات تولید در کارخانه، قطع گاز از سوی مسئولان اداره‌ی گاز منطقه است که باعث متوقف شدن فعالیت این کارخانه با ۵۰۰ کارگر شده است."

او گفت: "با وجود این‌که مسئولان استانداری قزوین بارها دستور وصل گاز کارخانه‌ی آبگینه را صادر کرده‌اند اما متأسفانه مسئولان اداره‌ی گاز نسبت به این موضوع بی‌توجه بوده و خواستار پرداخت یک‌باره‌ی بدهی یک‌میلیاردی خود هستند."

به گفته‌ی این کارفرما، با مشکلاتی که پیش روی این کارخانه است، راهی به‌جز تعطیلی و اخراج ۵۰۰ کارگر نداریم و احتمالاً تا پایان اسفندماه این کارخانه تعطیل می‌شود

۸۰ درصد واحدهای صنعتی آذربایجان غربی در بحران



از دوهزار و ۴۵۰ واحد تولیدی صنعتی آذربایجان غربی فقط ۲۰ درصد آن‌ها در شرایط نرمال قرار دارند و مابقی با مشکلات عدیده دست و پنجه نرم می‌کنند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، اسلام صدقی، دبیر خانه‌ی کارگر آذربایجان غربی، گزارشی از آخرین وضعیت کارخانجات و کارگران آذربایجان غربی ارائه داد و

حسین راغفر کارشناس اقتصادی سیاست‌گذاری‌های حکومت در خدمت مافیای قدرت

مافیای قدرت و ثروت در سال‌های اخیر در سیاست‌گذاری‌های دولت‌های وقت آنقدر قدرت یافته است که دیگر از قوانین بالادستی چون قانون اساسی، قوانین توسعه‌ی برنامه‌ی پنج ساله و اسناد ابلاغی، در راستای منافع خود بهره‌برداری می‌کند.

حسین راغفر کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با ایلنا گفت: "کاهش سهم نیروی انسانی در قیمت تمام‌شده‌ی تولید، توجیه مناسبی برای افزایش فساد اداری، فرار مغزها، چند شغله شدن افراد شاغل، افزایش بیکاری و کاهش نرخ بهره‌وری در کشور است."

«وی در ادامه افزود: "اظهارات اخیر معاون تنظیم و نظارت بر روابط کار وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در خصوص کاهش سهم نیروی انسانی در قیمت تمام‌شده‌ی تولید، بیانگر تسلط مافیای قدرت و ثروت بر اقتصاد کشور است."

این استاد دانشگاه تصریح کرد: "مافیای قدرت و ثروت در سال‌های اخیر در سیاست‌گذاری‌های دولت‌های وقت آنقدر قدرت یافته است که دیگر از قوانین بالادستی چون قانون اساسی، قوانین توسعه‌ی برنامه‌ی پنج ساله و اسناد ابلاغی، در راستای منافع خود بهره‌برداری می‌کند."

وی افزود: "این بهره‌برداری درحالی است که محتوای تمامی این قوانین در راستای شکوفایی اقتصاد ملی بوده و از اساس با منافع این گروه مغایرت دارد."

وی از اعمال سیاست سرکوب مزدی کارگران به عنوان مهم‌ترین اقدامی که باعث شده است تا منافع این گروه بیشتر از هر زمان دیگری تأمین شود، یاد کرد و افزود: اوج اجرای چنین سیاست‌هایی هشت سال گذشته بود که باعث شد تا در کنار افزایش تورم لجام گسیخته، دستمزد کارگران

بیش از هر زمان دیگری کاهش یابد.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: "در حال حاضر فعالیت این مافیای اقتصادی باعث شده است تا اقتصاد تولیدمحور، برای نیروی کار و صاحب سرمایه، یک فعالیت پرخطر تلقی شود، چنانچه در حال حاضر بیشتر واحدهای تولیدی ناچار هستند تا با دریافت وام‌های سنگین بانکی، هزینه‌های جاری از جمله دستمزد کارگران خود را پرداخت کنند."

به گفته‌ی راغفر، نتیجه‌ی چنین وضعیتی عدم تمایل سرمایه‌گذاران و نیروهای انسانی به حضور داشتن در بازار رسمی فعالیت‌های صنعتی و در مقابل، رونق گرفتن مشاغل غیررسمی و حتی زیرزمینی است.

وی در تشریح ماهیت این بازار کار جایگزین گفت: مشاغل مرتبط با سوداگری و دلالی در کنار فعالیت‌های پنهان تشدیدکننده‌ی آسیب‌های اجتماعی، از جمله مشاغلی است که در سال‌های اخیر با توریع ناعادلانه‌ی ثروت و دور شدن تدریجی از اقتصاد مولد به وجود آمده است.

در شش ماه نخست سال؛ ۹ هزار کارگر بیمه‌شده دچار حادثه‌ی شغلی شدند



در شش ماهه‌ی اول سال جاری، ۹ هزار و ۶۷ بیمه‌شده‌ی تأمین‌اجتماعی دچار حادثه‌ی ناشی از کار شدند.

به گزارش ایلنا، بر اساس اعلام دفتر آمار و محاسبات سازمان تأمین اجتماعی، از مجموع این رقم هشت‌هزار و ۹۲۵ بیمه‌شده مرد و ۱۴۲ بیمه‌شده زن بودند.

بر این اساس، از مجموع حادثه‌دیدگان ناشی از کار، هفت‌هزار و ۱۱۱ بیمه‌شده متأهل و یک‌هزار و ۹۵۶ بیمه‌شده مجرد بودند

گفتنی است، عدم رعایت مقررات ایمنی، وسایل بی‌حفاظ، وسایل معیوب، عدم استفاده از وسایل حفاظتی و فقدان اطلاعات، از دیگر علت‌های عمده وقوع حادثه بیمه‌شدگان است.

بر اثر حوادث ناشی از کار رخ داد:

مرگ ۷۰ کارگر در مازندران طی ۱۱ ماه گذشته

سقوط از بلندی با ۳۷ فوتی، برق‌گرفتگی با ۱۸ مورد، و اصابت اجسام سخت با ۱۲ مورد فوتی، در رتبه‌های اول تا سوم مرگ بر اثر حوادث کار در استان مازندران قرار دارند.

مدیرکل پزشکی قانونی مازندران از کشته شدن ۷۰ کارگر در این استان بر اثر حوادث کار طی ۱۱ ماه گذشته خبر داد و اعلام کرد که مرگ و میر ناشی از حوادث کار در یازده ماهه‌ی امسال، نسبت به مدت مشابه سال قبل، چهاردرصد کاهش یافت.

متن کامل بیانیه‌ی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

۲۳ اسفند، جاویدان در جنبش برابری خواهانه‌ی ایرانیان

۲۳ اسفند ماه سال ۱۳۸۵ روزی فراموش‌نشده‌ی است. نه به دلیل برخورد خشن با یک تجمع مسالمت‌آمیز و ضرب و شتم و بازداشت گسترده‌ی معلمان از سوی دارندگان نگاه امنیتی به مسائل اجتماعی، که البته اهمیت خود را دارد. نه به این خاطر که نشسته‌گان بر صندلی‌های خانه‌ی ملت، پاسخ‌گویی به خواسته‌ی قانونی بخشی از ملت را به شحنگان سپردند، که تلخ‌کامی و افسوس‌ناکی تاریخی با خود دارد؛ این روز از

آنان، واکنش‌های معلمان به ناراضایی شغلی را به دو نوع افقی و عمودی تقسیم کنیم؛ بهترین شکل ابراز ناراضایی از نوع عمودی آن، یعنی اعتراض مستقیم و علنی به مدیران و مسئولان است. زیرا هم نوعی سازوکار اطلاع‌رسانی است و هم گونه‌ای فشار دسته‌جمعی بر مدیران برای تغییر و اصلاح روش‌های خود که برابر است با ترمیم و تقویت مداوم سیستم مورد نظر.

حال آن که اعتراض‌های افقی همواره جنبه‌ی فردی و منفعلانه داشته و بسته به شکل عملی شدن آن توسط افراد، می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیر را به سیستم مورد نظر تحمیل نماید. از جمله اعتراض به شکل **خروج** از آموزش و پرورش که موجب کاهش سرمایه‌ی انسانی نظام آموزشی و افت کیفی آن می‌گردد. یا گونه‌ی به ظاهر کم‌خطرتر اعتراض افقی که به صورت عدم خروج از نظام آموزشی اما **پرداختن به شغل‌های دیگر در کنار شغل معلمی** است. این شیوه نیز آفات متعددی را نصیب جامعه، اقتصاد و نظام آموزشی می‌نماید. مانند گسترش اقتصاد غیررسمی، افت کیفیت تدریس و تعلیم در پی پرداختن معلم به شغل‌های دیگر و مهم‌تر، افزایش شکاف میان معلمان و سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی، به عنوان یکی از جنبه‌های شکاف میان دولت و ملت.

سرکوب کنندگان اعتراضات سال ۸۵، به گمان خود غائله‌ای را ختم نموده و با سرایت دادن فضای امنیتی به مدارس، پرونده‌سازی برای تعداد زیادی از معلمان، بازنشستگی اجباری، بازداشت، اخراج و زندانی نمودن طولانی‌مدت برخی فعالان صنفی و خاموش نمودن چراغ نهادهای مدنی معلمان و سایر اقدار جامعه، در خواب شیرین یک‌تازی خود فرو رفتند. گرچه در عمل، خود را به انزوا بردند و جدایی خود از راه بخش اکثریت ملت را نشان دادند و البته پاسخ خود را نیز در کوچک‌ترین فرصت ممکن برای مردم، دریافت نمودند؛ اگر روشنی در نگاه آنان باشد.

اینک انتظار همگان از دولت تدبیر و امید این است که با ایجاد فضای باز

اعتراضات مسالمت‌آمیز و سپس سرکوب شدید و کم‌سابقه‌ی این تجمع قانونی در روز ۲۳ اسفند، پرده از ظاهرسازی‌ها برداشت و بسیاری را به این باور رساند که:

عدالت نیز مانند بسیاری واژگان زیبای دیگر جزء کلمات حقی است که می‌توان از آنها اراده‌ی باطل نمود.

شکاف ارزشی عمیقی میان معلمان به عنوان بخشی از وفادارترین نیروها به آرمان‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه‌ی انقلاب، با دولتیان و مجلسیان مدعی حفاظت از انقلاب پدید آمده است.

معلمان و نمایندگان آنان در نهادهای مدنی از نقد و انتقاد و مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها محرومند و اصولاً وجود این نهادها محل پیشبرد منویات دارندگان قدرت ارزیابی می‌شود؛ مگر آن که فرمان‌های حاکمان را تأیید نمایند.



دوربین‌های تلویزیونی و میکروفون‌های رادیو تنها آن چیزهایی را می‌بینند و می‌گویند که مصالح ارباب قدرت اجازه دهد. دوربین‌هایی که اگرچه با «چراغ»، هزارتوی تاریک‌خانه‌ی اشباح را به ادعای خود می‌بینند، لیکن هرگز نمی‌خواهد در روز روشن هزاران معلم به‌سنه آمده از بی‌عدالتی دیده شود. ..

دولت تمامیت‌خواه و تمرکزگرای وقت، ندانست یا نخواست تا بداند که سرکوب حرکت‌های اعتراضی معلمان، فشار و دستگیری اعضا و تلاش برای انحلال غیرقانونی نهادهای صنفی آنان، نه تنها مسئله‌ای را حل نمی‌نماید، که خود ده‌ها مسئله‌ی جدید می‌آفریند. نگاه هوشمندانه‌ی پژوهش‌گران به انواع واکنش‌هایی که معلمان در هنگام ناراضایی شغلی از خود بروز داده‌اند مؤید این نظر است. اگر بر طبق نظر

آن رو مهم است که اهل فرهنگ صفحه‌ای دیگر بر کتاب مبارزات عدالت‌طلبانه‌ی ملت ایران افزود. و هم از آن رو که پس از گذشت هفت سال، بار دیگر ثابت شد حامیان چهل و بی‌عدالتی در هر لباس و موقعیتی، به‌رغم یک‌تازی و شوکت ظاهری، به شدت آسیب‌پذیرند و همان اعمالی که با هدف استحکام جایگاه خود انجام می‌دهند، مهم‌ترین عامل تزلزل پایه‌های قدرت آنهاست. اعمالی که دستاوردی جز عمیق‌تر شدن شکاف میان دولت و ملت؛ سقوط ارزش‌های انسانی و اخلاقی؛ سستی پایه‌های اعتقادی شاهدان و افزایش مشکلات اجتماعی ندارد.

مروری برکنش‌های صنفی معلمان در دهه‌ی هشتاد، بیان‌گر راهی است که توسط آنان طی شد تا به اعتراضات گسترده‌ی زمستان سال ۸۵ رسید. از گلایه‌های دوستانه در محفل‌های معلمی، نوشتن نامه‌ها و عریضه‌ها به مسئولان در رده‌های مختلف و اظهار شکایت از ناکافی بودن دستمزدها و یا اختلاف سطح رو به افزایش حقوق آنان با درآمد سایر حقوق‌بگیران حتی در خود دولت، تلاش برای برقراری ارتباط با نمایندگان مجلس و دولت، تجمع در مقابل ادارات هر منطقه، تا تجمع‌های اعتراضی به دعوت تشکل‌های صنفی، تحصن در دفتر مدرسه و عدم حضور در کلاس درس؛ نمونه‌هایی از این تلاش‌ها برای رساندن صدای خود به گوش نه‌چندان شنوای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران بود که در تمامی این موارد اگر پاسخی به آنان داده می‌شد، این بود که لایحه‌ی نظام هماهنگ (مدیریت خدمات کشوری) پاسخ‌گوی همه‌ی خواسته‌های شما خواهد بود.

در اواخر پاییز سال ۸۵، هنگامی که همگان در انتظار اقدامات ضدتبعیض از سوی دولت مدعی عدالت‌خواهی بودند، خبر از اقدام دولت برای بازپس‌گیری لایحه‌ی نظام هماهنگ از مجلس رسید. انتشار این خبر عاملی شد برای اعتراضات پی‌درپی معلمانی که به تصویب و اجرای آن دل‌خوش نموده بودند. تلاش ناموفق برای مهار این

پس از این دستگیری، هیأت مدیره نتوانست به طور کامل انجام وظیفه نماید و در نتیجه تا انتخابات سال ۸۹ که هیأت مدیره جدید انتخاب شدند هیچ فعالیت قابل ذکری انجام نشد. هیأت مدیره جدید که متشکل از محمدعلی برجی مدیرعامل، مازیار گیلانی نژاد رییس هیأت مدیره، سید حمید حسینی نایب رییس، یارمحمد اکبری منشی تعاونی و عظیم قره پور بود، با رأی کارگران عضو تعاونی انتخاب شد. با آمدن هیأت مدیره جدید و مراجعه مکرر به تعاونی فرهنگیان و شرکت عمران پرند، نه تنها نام اعضای تعاونی در لیست دریافت مسکن ثبت شد، بلکه حتا بلوکها و پیمانکار سازنده نیز مشخص شد. در اواخر سال ۸۹ با پرداخت بهای آب و برق و گاز و تلفن، اولین قدم برای خانه دار شدن ۱۵۶ عضو تعاونی برداشته شد. در حال حاضر تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک، ۴۶ کارگر این تعاونی را صاحب خانه کرده که چهار نفر از این اعضا در خانههای خود در پروژه «کورزو» شهر پرند اسکان گزیده اند و مابقی در فاز ششم پرند به پیمانکاری «هسایک» بلوکهای ۲۳۲ و ۲۳۴ در انتظار تکمیل خانههایشان هستند.

گزارشی از عضو جامعهی حسابداران رسمی ایران

سفره‌ی کارگران خالی‌تر از گذشته



غلامحسین دوانی، عضو جامعهی حسابداران رسمی ایران در گزارشی، به تحلیل شیوهی تعیین مزد کارگران در ایران پرداخته که مطالعهی آن خالی از لطف نیست. بنا بر آخرین گزارش بانک مرکزی، براساس محاسبه‌ی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در دوازده ماه منتهی به بهمن ماه ۱۳۹۲ نسبت به دوازده ماه منتهی به بهمن ماه ۱۳۹۱ معادل ۳۶/۷ درصد است.

فلزکار مکانیک دارد که تقدیم شما می‌شود.

یکی از دستاوردهای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، تشکیل تعاونی و گروه‌های ورزشی و دیگر نهادهای قابل استفادهی کارگران و دیگر زحمت‌کشان و مردم بوده است. تا آنجایی که من می‌دانم، تأسیس تعاونی مصرف و مسکن و داشتن گروه کوهنوردی و فوتبال و بوکس، از ابتکارات سندیکا در دهه‌ی ۴۰ بود. پس از انقلاب نیز این دستاوردهای سندیکایی تداوم داشت. در سال ۱۳۶۴ تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک دوباره شروع به فعالیت کرد. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ اقدام به خرید زمین برای کارگران تعاونی نمود که متاسفانه به دلیل عدم نظارت کارگران عضو تعاونی و ساده‌دلی و حرفه‌ای نبودن اعضای هیأت مدیره، این زمین‌ها تاکنون به سرپناهی برای کارگران تبدیل نشده است.

با اعلام ساخت مسکن مهر، تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک جان دیگر گرفت و با هیأت مدیره‌ای جدید در جهت تحقق مسکن برای کارگران پا به عرصه‌ی فعالیت نهاد. این هیأت مدیره که متشکل از ستار امینی مدیرعامل، نبی معروفی رییس هیأت مدیره، محمدعلی برجی نایب رییس، مازیار گیلانی نژاد منشی هیأت مدیره، حسن ساقی و رحیمی اعضای ذخیره‌ی هیأت مدیره بود و به بازرسی اسداله اقبالی، به سمت خانه‌دار کردن کارگران قدم نهاد. هرچند که روند اداری مسکن مهر با کندی پیش می‌رفت، ولی هیأت مدیره همچنان ثابت قدم برای کسب این حق، با دل‌گرمی تمام فعالیت می‌کردند. متاسفانه در روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸، کارگرانی که در تعاونی فلزکار مکانیک گرد هم آمده بودند تا هم روز کارگر را گرامی بدارند و هم به گزارش هیأت مدیره‌ی تعاونی مسکن گوش بدهند، در محل تعاونی دستگیر شدند. ستار امینی مدیرعامل، نبی معروفی رییس هیأت مدیره، رحیمی عضو ذخیره‌ی هیأت مدیره، اسداله اقبالی بازرس و حمید شرقی عضو تعاونی مسکن، به همراه اعضای هیأت مدیره‌ی تعاونی مصرف کارگران فلزکار مکانیک به زندان اوین برده شدند و تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در زندان باقی ماندند.

اجتماعی و سیاسی، بها دادن راستین به نهادهای مدنی و صنفی و با ایجاد امکان تأسیس، استقرار و استمرار فعالیت تشکلهای صنفی، از فرصت حضور آنان در راستای بهبود شرایط معلمان و سایر اقشار جامعه بهره‌برداری نموده، حق فعالیت‌های اعتراض‌آمیز صنفی را به رسمیت بشناسد و به نهادینه نمودن جایگاه تشکلهای در ساختار تصمیم‌سازی آموزش و پرورش یاری رساند. در آستانه‌ی هفتمین سالگرد این روز، زمینه‌ی آزادی و بازگشت به کار را برای همکاران در بندمان «رسول بدایقی، سید محمود باقری، عبدالله مؤمنی، محمد داوری» را فراهم نماید.

۲۳ اسفند در گاه‌شمار جنبش‌های برابری‌خواهانه‌ی ایرانیان ماندگار است. تقویم‌های رسمی بنویسند یا ننویسند؛ رسانه‌های انحصارطلبان ببیند یا نبیند؛ شیفتگان قدرت بپسندند یا نپسندند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

اسفندماه ۱۳۹۲

یادداشت:

نگاهی به عملکرد تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک

اشاره:

یادداشت زیر توسط مازیار گیلانی نژاد رییس هیأت مدیره‌ی تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک تهیه شده است که گزارشی کوتاه از فعالیت این تعاونی طی دهه‌های گذشته تاکنون است.

در این گزارش با اشاره به دستگیری اعضای هیأت مدیره‌ی تعاونی مصرف کارگران فلزکار مکانیک و انتقال آنها به زندان اوین، تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، مروری برفراز و نشیب‌های فعالیت هیأت مدیره‌ی تعاونی مسکن کارگران

۱۳۹۱		گروه‌های درآمد/ سال ادال	۱۳۹۱		گروه‌های هزینه/ سال ادال
درصد توزیع	درآمد	گروه‌های درآمد	درصد توزیع	هزینه	گروه‌های هزینه
۱۰۰	۱۹۷۸۰۰۴۷۲	مجموع درآمد پولی و غیرپولی خالص	۱۰۰	۲۰۹۷۱۱۳۶۸	جمع کل هزینه خالص
۶۹/۲	۱۳۶۸۶۰۵۵۱	درآمد پولی خالص	۲۷/۱	۵۶۸۴۱۲۵۳	خوراکی و آشپزخانه
۹/۷	۱۹۳۳۲۹۸۳	درآمد از مزد و حقوق - بخش دولتی و عمومی	۰/۴	۸۶۲۸۶۴	دخانیات
۱۳/۸	۲۷۳۳۰۷۲۳	درآمد از مزد و حقوق - بخش خصوصی	۴/۷	۹۸۴۲۱۰۴	پوشاک و کفش
۰/۱	۱۷۷۷۸۸	درآمد از مزد و حقوق - بخش تعاونی	۳۴	۷۱۱۵۷۸۸۷	مسکن، آب، برق، گاز و سایر خدمات سوخت
۱/۱	۲۱۱۹۷۹۹	درآمد از مشاغل آزاد کشاورزی	۴/۶	۹۵۹۱۰۴۴	لوازم، اثاث، خدمات مورد استفاده در خانه
۱۸/۲	۳۶۰۳۴۳۶۱	درآمد از مشاغل آزاد غیرکشاورزی	۵/۶	۱۱۸۵۷۸۹۲	بهداشت و درمان
۲۶/۳	۵۱۹۶۴۸۹۷	درآمدهای متفرقه	۷/۹	۱۶۶۶۸۸۳۶	حمل و نقل
۳۰/۸	۶۰۹۳۹۹۲۱	درآمد غیرپولی	۲/۱	۴۴۰۱۹۳۲	ارتباطات
۲۴	۴۷۳۷۸۳۵۲	ارزش اجاری مسکن شخصی (مالک‌نشین)	۲/۴	۵۰۴۹۶۰۲	تفریح و امور فرهنگی
۶/۸	۱۳۵۶۱۵۶۹	سایر	۲/۲	۴۵۳۵۲۷۹	تحصیل
		منبع: بانک مرکزی	۷	۱۴۶۸۵۳۴۶	رستوران و هتل
					کالاهای و خدمات متفرقه



Iranian Labour News Agency

ماهانه برآورد شده است که مقایسه‌ی این آمار نشان می‌دهد میانگین درآمد خانوار ۲۵ درصد کمتر از متوسط هزینه‌ها بوده است. حتی اگر درآمدهای غیرپولی خانوار را هم به مجموع درآمدها اضافه کنیم، باز هم هر ماه متوسط درآمد خانوار به یک میلیون و ۲۵۸ هزار تومان می‌رسد که ۲۲ درصد عقب‌تر از هزینه‌های ماهانه خواهد بود. بد نیست دولت محترم همان‌طوری که به نقد دولت قبلی نشست، آمار مخارج و درآمد واقعی سال ۱۳۹۲ را مشابه نمایه‌ی زیر که مربوط به سال ۱۳۹۱ است را نیز منتشر کند و کارشناسان محترم مراکز آماری دولت که در انتشار آمارهای عجیب و غریب در این چند سال شهره‌ی جهانی شده‌اند، توضیح دهند حقوق‌بگیر بخت برگشته‌ای که بر سر منابع عظیم انرژی جهان (نفت، گاز، و سایر منابع)، نشسته چگونه کسری این دخل و خرج خود را تأمین نماید و آیا با چنین فقر فلاکت‌باری می‌توانیم از نیروی کار بخواهیم، کارآیی و بهره‌وری کار را افزایش دهد؟! ضمناً جامعه‌ی کارگری چگونه باید به عزای سفره‌ی (معیشت) از دست رفته‌اش بنشیند! از طرف دیگر، کمیته‌ی مزد شوراهای اسلامی کار استان تهران نیز در گزارشی به شرح زیر که در تارنمای ایلنا درج شده، حداقل مزد یک خانوار چهارنفره را ۱۷ میلیون و ۶۰۳ هزار ریال اعلام نموده که با درصدهای وزارت کار و نماینده‌ی خوش‌خیال کارفرمایان مغایرت معنی‌داری دارد.

منبعث از رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول قرار گرفت را نشان می‌دهد. از بعد از پایان جنگ تحمیلی تاکنون عموم دولت‌های سرکار آمده در زمان تعیین حداقل مزد کارگران، بدون توجه به نرخ تورم و فروپاشی معیشت زندگی و بدون رعایت مفاد ماده‌ی ۴۱ قانون کار و قبل از جلسات تعیین حداقل مزد در شورای عالی، با ایما و اشاره و اعمال فشار و از طریق تعیین نمایندگان کارگران و کارفرمایان توسط دولتی‌ها، به افزایش مزدی معادل ۲۰ الی ۲۵ درصد تن داده‌اند. جالب آن‌که تقریباً همه‌ی دولت‌ها و وزرای کار و بیکار هم همیشه مدعی بوده‌اند افزایش مزد بیشتر از نرخ تورم بوده است! اگرچه پس از گذشت دو سه هفته، بلافاصله بانک مرکزی و یا مرکز آمار نرخ تورم را بیشتر از نرخ افزایش مزد اعلام نموده و هیچ‌کس هم به‌خاطر این دروغ بزرگ زیر سؤال قرار نمی‌گیرد. راستی چرا وقتی می‌خواهیم اقتصاد دولت احمدی‌نژاد را ویران نشان دهیم، نرخ تورم واقعی را ۴۶ درصد اعلام کردیم اما وقتی می‌خواهیم مزد را تعیین کنیم نرخ تورم کمتر از ۲۵ درصد می‌شود! بر اساس آمار رسمی منتشر شده توسط بانک مرکزی، هر خانوار ایرانی در سال ۹۱ به‌طور میانگین یک میلیون و ۷۴۷ هزار تومان هزینه‌ی خوراکی و غیرخوراکی داشته است و در مقابل میانگین درآمد پولی خانوار در این سال یک میلیون و ۱۴۰ هزار تومان

به این معنی که قیمت کالاها و خدمات در بهمن امسال نسبت به سال گذشته ۲۶/۷ درصد بیشتر شده است. اگر چه گزارش تازه‌ی بانک مرکزی نشان می‌دهد که از رشد سریع تورم در چند ماه اخیر تا حدودی کاسته شده، اما بر اساس همین گزارش، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر اساس سال پایه ۱۰۰=۱۳۹۰ در بهمن ماه به عدد ۱۸۴/۲ (یکصد و هشتاد و چهار و سه‌دهم درصد) رسیده است؛ به این ترتیب تنها طی دو سال، قیمت‌ها تقریباً دو برابر شده و ظاهراً مسنولان فعلی هم این آمار را قبول داشته و آن را صرفاً برای افشای عملکرد دولت قبلی به‌کار می‌برند، نه برای تعیین حداقل دستمزد. یادآور می‌شود بدون شک و بر اساس محاسبات همین دولت، از سال آینده دوباره جهش قیمتی همراه فاز دوم یارانه‌ها مثل موربانه بن سفره‌ی حقوق‌بگیران را نشان خواهد رفت. به‌نظر می‌رسد جامعه‌ی کار و تولید ایران با یاری از امدادهای غیبی توانسته‌اند این کاهش درآمد را پوشش دهند که خیال دولت‌مردان قبلی و فعلی آسوده است! نمایه‌ی زیر مقایسه‌ی گروه‌های هزینه/درآمد سال ۱۳۹۱ را که فلاکت بر اقتصاد حاکم، و معیشت حقوق‌بگیران مورد تعرض سیاست‌های نادرست و خامت‌بار

شرح	نسبت اهمیت	بهمن ۹۲	توضیحات
سهم خوراک	۴۷٪	۸.۳۸۸.۸۴۰	قیمت ها بر اساس میانگین شهرداری
سهم مسکن	۱۸٪	۳.۱۵۷.۳۳۰	با احتساب ۵۰ درصد مستاجر و ۵۰ درصد صاحب خانه
سهم پوشاک	۵٪	۸۷۴.۰۰۰	
سهم تاتیه منزل		-	
سهم بهداشت و درمان	۷٪	۱.۲۰۰.۰۰۰	
سهم حمل و نقل	۹٪	۱.۶۰۰.۰۰۰	با استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی
سهم ارتباطات	۳٪	۴۸۱.۱۴۸	
سهم امور فرهنگی و تفریح		-	
سهم تحصیل و آموزش	۶٪	۱.۰۰۹.۰۰۰	فقط هزینه های فرزندان
سهم رستوران و هتل		-	
سهم کالاها و خدمات متفرقه	۵٪	۹۳۸.۶۸۲	
سهم کل سبد خانوار ۴ نفره در یک ماه	۱۰۰٪	۱۷.۶۰۳.۰۰۰	



Iranian Labour News Agency

مورد تعرض قرار گرفته و گفته می‌شود بخش‌هایی از طبقه‌ی متوسط نیز به افشار تھی دست فروغلطیده‌اند.

مضاف بر آن‌که افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد، هیچ‌گاه به سایر افشار بالای حداقل مزد که آنان نیز طبق قانون کار، کارگر نامیده می‌شوند تعلق نمی‌گیرد و این یکی از آشکارترین فریب‌های نظام سرمایه‌داری بر علیه جامعه‌ی کار و تولید است. اگر دولت خود را نماینده‌ی آحاد جامعه می‌داند و مدعی است در دوران قبلی حقوق شهروندان منجمله کارگران و حقوق‌بگیران نقض شده، پس لازم است در جهت احقاق حقوق تضییع شده‌ی آنان (و نه دل‌نگران بخشش بدهی بانکی بزرگ‌بدهکاران کشور و عاملان فساد و تورم)، نسبت به برقراری حداقلی که معیشت جامعه‌ی کار و تولید را تأمین کند، گام بردارد. زیرا حداقل مزد حق جامعه‌ی کار و تولید کشور است و نه صدقه و بخشش.

قهقهرا میرود، اما چنانچه سید کالای مردم ۲۵۰ درصد بالا رود و مابه‌التفاوت این افزایش به جیب هر آنکس دیگر رود، اقتصاد از روی زمین به هوا می‌رود! زندی می‌گفت حالا معنی جمله‌ی "از افراد هر دو جناح در دولت استفاده کردم را فهمیدم. چون سران هر دو جناح حساب و کتاب کارگری نمی‌دانند."

بررسی آمار سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که حداقل مزد سالانه در کشورهای لیبی (۴۲۸۶)، عمان (۱۰۲۶۳)، عربستان (۹۶۰۰)، ترکیه (۷۱۴۶) و ونزوئلا (۶۸۷۳) دلار امریکا می‌باشد که این حداقل مزد نشان می‌دهد که بعضی از این کشورها اساساً فاقد توانمندی اقتصادی کشور ما هستند اما حداقل مزد در آن کشورها به مراتب بیش از ایران است. آیا این نشانه‌ی آن نمی‌باشد که وجوه مالی به جای آن‌که به سرمایه‌ی انسانی تعلق گیرد، به سرمایه و ثروت مال‌اندوزان اضافه شده؟!

به همین دلایل است که در حالی‌که در این سال‌ها سفره‌ی حقوق‌بگیران تهی شده، سفره‌ی سرمایه‌داران نه تنها کوچک نشده، بلکه رنگین و مرتباً گسترش یافته است. دولت‌مردان باید توجه نمایند که امروز بحث بر سر حداقل مزد نیست، بلکه اساساً معیشت جامعه‌ی کار و تولید

روی این سخن به‌ویژه با وزیر محترم کار که خود را از خانواده‌ی جامعه‌ی کارگری دانسته [...] می‌باشد. شترسواری دولا دولا مشکل‌زا می‌باشد یا تورم سال ۱۳۹۲ کمتر از ۲۵ درصد است، که پس باید به عملکرد دولت آقای احمدی‌نژاد آفرین گفت چون این اقتصاد میراث اوست و یا نرخ تورم کنترل‌شده بالای ۲۵ درصد است. پس باید نرخ مزد را اصلاح کنید. قرار شده بود دیگر به مردم و رای‌دهندگان دروغ نگوئیم، وعده‌ی کاذب ندهیم، حقوق انسانی و کارگری آنها را رعایت کنیم، باند مفاسد اقتصادی را افشا کنیم و "بگم بگم" نکنیم. پس چه شد؟! اگر افزایش مزد اقتصاد کشور را زمین‌گیر می‌کند، آیا بهتر نیست "بودجه‌ی چای و آبدارخانه‌ی" مراکزی چون مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۵۰ میلیارد تومان) را کاهش دهیم؟! و اگر اقتصاد با افزایش مزد زمین‌گیر می‌شود پیشنهاد می‌شود اساساً مزد را حذف و دوباره شعار سال ۱۳۵۹ را عملی کنیم. [...]

جالب است در حالی که با اجرای طرح یارانه، قدر مطلق افزایش قیمت سبد خانوار از ۵۰ درصد فزون‌تر شده و در حالی که قرار است بخش وسیعی از یارانه‌ی نقدی هم حذف شود، می‌گویند اگر مزد بیش از ۲۵ درصد بالا رود، اقتصاد کشور به اما